

حال همه "اصلاحات" میخواهند

جنگ اسم رمز ها

منصور حکمت

"اصلاحات خاتمی"، که ورد زبان طیف وسیعی از دکاندارهای سیاسی در ایران و جهان است، قصه "قبای تازه امپراطور" را به ذهن میآورد. جماعتی در ۵ قاره دم گرفته اند و در مدح این "اصلاحات" (که گویا حتی عملی شده است و ما خبر نداریم) دَف میزنند و کف به دهان میآورند، بی آنکه بتوانند دو کلمه بگویند چیست و از چه قرار است. عنوان "اصلاحات" برای اردوی دوم خرداد همان نقشی را پیدا کرده است که بطری کمر باریک برای کوکاکولا دارد. علامت مشخصه این اردوگاه است، لقب و آرم شان است.

و لاجرم طبیعی است که وقتی جناح راست اخیرا برآن شد که خود راسا وظیفه "اصلاحات" را بر عهده بگیرد و مراجعی برای تمیز "اصلاحات" خودی و غیرخودی و آمریکایی و اسلامی تشکیل بدهد، فغان دوم خردادی های دانشجو و وکیل مجلس بلند شد. این دیگر سلب هویت از دوم خرداد است. دقیقا همینطور است. خامنه ای و شرکاء و کیهانی هایی که حتی کرکره دفتر کارشان هم بوی ضخیم خون گرفته است، عزم کرده اند که بهر قیمت قبل از مهمه بیشتر مجلسی ها و شروع کمپین انتخابات رئیس جمهوری این عبارت را از دست دوم خرداد بگیرند و به نفع "نظام" مصادره کنند. حال همه و در راس همه خود رهبر "اصلاح طلب" شده اند. هنوز جنازه عبارت "جامعه مدنی" روی زمین است که جبهه جدیدی در "جنگ اسم رمز ها" باز میشود.

و اینها واقعا چیزی بجز یک مشت اسم رمز نیستند و هرکس، از قماش "دکتر" دوم خردادی های ریز و درشت اپوزیسیون بورژوازی دربدر ایران، که این کلمات را تحت اللفظی بفهمد و جدی بگیرد دارد با سرنوشت خودش بازی میکند و بلاهتش را عیان میکند. جالب است که از میان تمام معترضین به مصادره این عبارت "اصلاحات" توسط راست، یک نفر پیدا نمیشود که بگوید مضمون این اصلاحات بالاخره چه بوده و یا چه قرار است باشد. این اصلاحات شامل چیست؟ آیا قرار است مطبوعات آزاد بشود، طوری که مثلا انترناسیونال هفتگی را هم بتوان در ایران نوشت و چاپ و پخش کرد؟ آیا قرار است تشکیل احزاب و تشکلهای سیاسی و صنفی و دفاعی آزاد باشد، طوری که حزب کمونیست کارگری هم بتواند علنا کار کند و میتینگهایش را در استادیومها بگذارد و کانال تلویزیونی داشته باشد، کارگران بتوانند شورا و سندیکا تشکیل بدهند، آزادانه قرارداد ببندند و یا اعتصاب کنند؟ آیا قرار است بشود بی خدا بود یا بهایی و یهودی بود و مثل آدم زندگی کرد؟ آیا قرار است حجاب اجباری زنان لغو بشود و بعد از ۷ هزار سال تمدن مکتوب بشری مردم اجازه انتخاب تن پوششان را کسب کنند؟ آیا قرار است زن انسان اعلام بشود، آیا قرار است محاکمات متهمین علنی باشد و حساب و کتاب داشته باشد. آیا قرار است زندانهای مخوف و شکنجه گاهها تعطیل شوند و مجازات اعدام لغو شود و ساواما ها و مامورین و دستگاہهای خفیه از هر قماش مرخص شوند، آیا قرار است حقوق کودکان احقاق بشود، آیا قرار است دستمزدها بالا برود، بیمه بیکاری و طب رایگان دایر بشود، آیا قرار است دولت به انتخاب آزادانه مردم متکی و موکول بشود، آیا قرار است زندانیان سیاسی آزاد بشوند و قاتلین صدها هزار مردم در این سالها مورد مواخذه قرار بگیرند؟

آیا تاکنون یک کلمه راجع به این ابتدایی ترین حقوق مدنی مردم از زبان این مصلحین بدلی شنیده اید؟ خیر،

اصلاحات اسم رمز یک تجدید تقسیم قدرت میان جناحهای جمهوری اسلامی است. "اصلاحات" نفی "انحصار طلبی" است. پرچم سهیم شدن مجدد شاخه های دیگری از نهضت اسلامی و ملی در حکومت اسلامی است. و این را البته انصافاً از سر فرقه گرایی و رقابت جناحی نمیخواهند. فراخوان فرقه دوم خرداد برای گشایش دروازه حکومت بروی خودی های قدیمی و حلقه وسیعتر مدافعان دیرین خمینی، فراخوانی برای نجات اسلام و نظام از چنگ مردم است. دوم خردادی ها معتقدند که حکومت با این پایه تشکیلاتی و جنبشی باریک در برابر مردم بسرعت واژگون میشود. باید این پایه را وسیع کرد تا بتوان جلوی موج اعتراض مردم برای تغییرات واقعی مقاومت کرد. این "اصلاحات" بر سر حقوق کودک و کارگر و زن و انسان و دگر اندیش و سوسیالیست و بی دین و بر سر معاش و بهداشت و رفاه نیست. بر سر مقاومت در برابر اینهاست.

این فاز نیز میگذرد. عبث بودن و تشریفاتی بودن این جدل اخیر بر سر عبارت "اصلاحات"، درست مانند جدل چندی قبل بر سر "توسعه سیاسی یا اقتصاد" گواه گنبدگی عملی نیروهایی متشکله حکومت اسلامی و سترونی سیاسی آنهاست. دوم خرداد فاقد یک پلاتفرم اعلام شده و یا ضمنی و عملی حتی برای نیمبند ترین تعدیل ها در حکومت اسلامی است. بازی "خاتمی=اصلاحات=خاتمی" دیگر هیچکس، حتی سیاستمداران و مفسران پراگماتیست غربی را هم که کسب شان ایجاب میکند خاتمی چی باشند سرگرم نمیکند. اینها شاتره و ۱۸ تیر تهران و جنبش در آبادان را میبینند. از طرف دیگر حتی اخذ عبارت "اصلاحات" توسط راست تمام باد این جناح را خالی میکند. تنها خاصیت فصل مشترک ساختن با دوم خرداد از هم پاشاندن انسجام فرقه ای و خرد کردن روحیه کادرهای سازمانی و اوباش خیابانی راست است. با هر مجادله اینچنینی جناحها، در متن یک استیصال سیاسی-اقتصادی علاج ناپذیر، جمهوری اسلامی یک قدم به پایان کارش نزدیک تر میشود.